



۱۴۰۲ به رنگ قرمز

اتفاقات و رویدادهای پرسپولیس همه نگاه‌ها را به سمت چهره‌هایی جلب می‌کند که در جریان بالا و پایین شدن این تیم و باشگاه تأثیرگذار بودند و همچنان نامشان پیرامون اتفاقات مهم شنیده می‌شود که می‌توان مروری به آنها داشت.

این اتفاقی بود که در بیشتر روزهای سال ۱۴۰۲ هم رخ داد اما این سال به لحاظ کسب دو قهرمانی جام حذفی و لیگ برتر سال متفاوتی بود که البته باعث شد سوپر جام دیگری هم به صورت خودکار نصیب این باشگاه شده و بیشترین افتخارات پرسپولیس پرچام تر شود. در این بین

مطابق معمول در حوزه باشگاهداری و مسائل کلان رخ داد که آن هم چیز غیرطبیعی و عجیبی نیست. از وقتی یادمان می‌آید این باشگاه با مشکلات مالی مواجه بوده، بازیکنان و مربیان دربارہ دریافتی‌هایشان و مطالبات خود غر زده‌اند و مدیران باشگاه هم مشغول جمع و جور کردن خرابکاری مدیران قبلی بوده‌اند.

محمد قرآزگو روزنامه نگار

پرسپولیس در سال ۱۴۰۲ که به روزهای آخرش نزدیک می‌شویم فراز و نشیب زیادی داشت که نشیب‌ها در بخش فوتبال نبود و

اوسمار لوس ویرا؛ این برزیلی خوش شانس

بعد از جدایی شوکه‌کننده یحیی گل محمدی از رأس کادر فنی، باشگاه پرسپولیس چیزی حدود سه هفته دنبال سرمربی بود. با سرازیر شدن ایجنت‌ها به باشگاه و معرفی نام‌های کوچک و بزرگ، کار بررسی روی این گزینه‌ها آغاز شد اما از همان زمان این نکته مطرح بود که گزینه اصلی برانکو ایوانکوویچ است که درست در همان ایام تیمش را برای رقابت در جام ملت‌های آسیا آماده می‌کرد. با تأکید و پیگیری عجیب و غریب هواداران پرسپولیس که جانشین یحیی حتماً باید مربی خارجی و صاحب رزومه باشد، باشگاه هم سراغ گزینه‌های خارجی و صاحب رزومه رفت اما هر چه بیشتر جلو می‌رفت کمتر به نتیجه می‌رسید. هر گزینه‌ای که باشگاه به آن نزدیک‌تر می‌شد بقیه ایجنت‌ها با فشار به فضای مجازی و هواداری آن گزینه راه‌ها می‌کردند و دوباره بررسی گزینه بعدی آغاز می‌شد. از طرفی بودجه باشگاه پرسپولیس هم اجازه نمی‌داد تا سراغ مربیان گرانقیمت برود. از سوی دیگر شرایط منطقه باعث می‌شد برخی گزینه‌ها قید حضور در ایران را بزنند و اینطوری انتخاب مربی خارجی سخت‌تر می‌شد. بعدتر باشگاه برای مربیانی که با آنها مذاکره می‌کرد یک شرط گذاشت که نهایتاً یک دستیار یا خودشان بیآورند تا هزینه‌های باشگاه کمتر شود و همین مسأله انتخاب‌ها را محدودتر هم می‌کرد. در همین اثنا با وجود هموار کردن مسیر حضور برانکو و مذاکره با او، در نهایت این مربی از حضور در پرسپولیس انصراف داد تا موضوع انتخاب سرمربی پیچیده‌تر شود. در نهایت باشگاه پرسپولیس اوسمار لوس ویرا دستیار برزیلی یحیی را به عنوان جانشین و انتخاب کرد که این انتخاب با واکنش شدید هواداران و اعتراض گسترده آنها همراه شد اما اوسمار با شنیدن بدون حاشیه کارش را پی گرفت. با در نظر گرفتن تردیدها درباره موفقیت اوسمار که غالب آن به ناکامی این مربی رآی می‌داد او نیم فصل دوم را با شکست در اراک آغاز کرد و در گام اول با وجود نمایش قابل قبول تیمش باخت. اینجا بود که منتقدان یک پله از تعداد کمتر موافقان حضور اوسمار جلو افتادند ضمن اینکه آنها پیش‌بینی می‌کردند این مربی نتواند رختکن پرسپولیس را جمع و جور کند و در مواجهه با تیم‌های دیگر کاری از پیش نخواهد برد اما هر چه جلو آمدیم مشخص شد باشگاه در انتخاب اوسمار اشتباه نکرده است. اوسمار لوس ویرا مربی بی‌حاشیه و مؤدب است که نسبت به کاری که انجام می‌دهد کاملاً متعهد است. او یک مربی فنی و به اصطلاح تکنسین فوتبال است که فقط با زبان فوتبال حرف می‌زند. به نظر می‌رسد او اهل شواف نیست و در عین حال برای موفقیت تیمش برنامه و نقشه دارد. اوسمار با صداقت کارش را آغاز کرد و بعد از شکست نخست تیمش را بالا کشید و برنده از زمین بیرون آورد تا همه آنهایی که می‌گفتند این مربی برای پرسپولیس کوچک است از موضع عقب بنشینند و تأییدش کنند.

گل محمدی؛ جدایی مربی قهرمان در ابهام

با عزم و اراده بالا و دانش و توانمندی فراوانش موفق شد در رقابت با دو مربی پرتغالی که تیم‌های گرانقیمت‌تری هم بسته بودند پرسپولیس را در یک رقابت جانانه و سخت به عنوان قهرمانی لیگ برتر برساند و بعد از یک فصل ناکامی دوباره سرخ‌ها در رأس قله فوتبال ایران قرار بگیرند. یحیی با قهرمان کردن پرسپولیس در جام حذفی سال رؤیای باشگاهش را تکمیل هم کرد اما از تابستان مشکلات او با باشگاه شروع شد و کم‌کم این مشکلات حالت عیان به خود گرفت و تبدیل به اعتراض و استعفا شد. گل محمدی با قهرمانی‌هایی که در پرسپولیس به دست آورد تبدیل به یکی از پرافتخارترین مربیان فوتبال ایران شد و البته در رأس مربیان موفق این باشگاه در کنار علی پروین و برانکو قرار گرفت اما انگار ادامه این موفقیت‌ها برای او دشوار بود. با بدشانسی‌های بزرگ ناشی از مصدومیت بازیکنان کلیدی و ملی‌پوش، یحیی بدشانس هم بود که نتوانست تیمش را از مرحله گروهی لیگ قهرمانان بالاتر ببرد و در پایان بازی با الدحیل در اتفاقی عجیب حتی از سوی سکوهای باشعار «حیا کن، رها کن» مواجه شد که برای خودش و بازیکنانش کاملاً غیرقابل باور به نظر می‌رسید. چند هفته بعد و در شرایطی که او در فاصله دو امتیازی صدر جدول نیم فصل اول را به پایان رسانده بود اعلام استعفا کرد تا همه هواداران پرسپولیس را شوکه کند. از اینجا به بعد ماجرا عوض شد و همه آنهایی که حتی از گله‌ها، اعتراضات و استعفاهای یحیی خسته شده بودند آرزو می‌کردند او در تیم محبوبشان ماندنی شود. بعد از کناره‌گیری یحیی تصور می‌شد او باز هم مثل دفعات قبلی استعفا داده تا مدیریت باشگاهش را تحت فشار قرار دهد و برای تیمش امتیاز بگیرد اما انگار گل محمدی در تصمیمش راسخ بود. در این شرایط جالب بود که در این مواجهه جدی برخی تصور می‌کردند رضا درویش از سمتش استعفا خواهد داد تا زمینه برای ابقای یحیی فراهم شود چرا که تصور می‌شد مهم‌ترین مشکل یحیی مدیرعامل باشگاه است و اختلاف به حدی رسیده که این دو نفر نمی‌توانند با هم کار کنند اما بعد از دو هفته کشمکش سرانجام گل محمدی با توافق قراردادی را فسخ کرد و رسماً جدا شد. گل محمدی حتی بعد از جدایی‌اش نیز دلیل مشخص و روشنی برای پایان دادن به این همکاری چهار سال و نیمه مطرح نکرد و همه چیز در حاله‌ای از ابهام باقی ماند هر چند در این خصوص انواع و اقسام شایعات مطرح شد. با این وجود بعد از این جدایی در حالی که تصور می‌شد گل محمدی شاید به خاطر پیشنهاد‌های بهتر راهی تیمی دیگر شود او از تیم دیگری سر درنیارود تا سودای مربیگری در تیمی خارج از فوتبال ایران او را منتظر پیشنهاد‌های جذاب بعدی به استراحت بفرستد.

رضا درویش؛ مدیری که با پنبه سر می‌برد!

حالا چیزی نزدیک به دو سال و دو ماه از مدیریت رضا درویش در باشگاه پرسپولیس می‌گذرد و با تمام شایعات و حواشی او موفق شده به رکورد دوران مدیریت علی اکبر طاهری در نشستن روی این صندلی داغ نزدیک شود که اتفاق عجیبی به نظر می‌رسد. در تمام دو سال و دو ماه گذشته این مدیر با مشکلات مختلفی مواجه بوده که بخشی از آنها تبدیل به اتفاقی روتین در باشگاه پرسپولیس شده است. درویش در سال ۱۴۰۲ بعد از قهرمانی‌های پرسپولیس کار دشواری داشت تا تیمی قدرتمند بسازد و از عناوین قهرمانی‌اش دفاع کند اما به خاطر محدودیت‌های بودجه و سقفی که تعیین شد تابستان موقتی را پشت سر گذاشت و از همان جا فاصله او با یحیی گل محمدی زیاد شد. عدم تدارک اردوی خارجی در تابستان و البته از دست دادن برخی ستاره‌ها مثل آل کثیر باعث شد تا فضای بین او و گل محمدی چندان شفاف و تمیز نباشد. در ادامه با بروز مشکلات مالی بحران بزرگتری سراغ مدیرعامل پرسپولیس آمد و بازیکنان با نگرش متنی علیه او که رسانه‌های هم‌شدر رسماً خواهان برکناری‌اش شدند اما با وجود اینکه تصور می‌شد این اتفاق رخ خواهد داد این مدیر در پرسپولیس ماندنی شد. درویش که چند ماه قبل با تغییرات هیأت مدیره از قالب عضو هیأت مدیره بیرون آمد و تنها به عنوان مدیرعامل در این باشگاه فعالیت کرد در میانه زمستان چالش بزرگی برای انتخاب جانشین یحیی گل محمدی داشت و در نهایت با کلی انتقاد و تهدید اوسمار را در رأس کار قرار داد اما مثل بسیاری از موارد دیگر با چند نتیجه خوب از این بحران هم عبور کرد. او درباره پرداخت مطالبات بازیکنان هم با اینکه بارها انتقاد شنید و دیرکرد داشت اما همچنان در حال وقت خریدن است تا بلکه مشکلات مالی باشگاه حل شود و شرایطی فراهم کند که بدهکار بازیکنان و مربیان نباشد. درویش در این ماه‌ها سعی کرد با پرداخت و تسویه بعضی بدهی‌های کلان مثل مطالبات رادوشویچ خرابکاری مدیران قبلی را پاک کند اما همچنان با پرونده‌ها و احکامی روبه‌روست که هر کدام چالشی برای او و باشگاه به حساب می‌آید.



حسن خان محمدی؛ آرزویی که بعد از ۲۱ سال برآورده شد

اگر همه توجهات به تیم اصلی پرسپولیس نباشد می‌توان روی اتفاقات ویژه آکادمی پرسپولیس هم توجه کرد. در سومین سال از مدیریت محسن خلیلی بر آکادمی پرسپولیس بالاخره اتفاق شیرینی که سال‌ها منتظرش بودیم رخ داد و یکی از تیم‌های پایه پرسپولیس عنوان قهرمانی را به دست آورد. هر چند برقراری چرخه صحیح در رساندن بازیکنان آکادمی به تیم اصلی مهم‌ترین رسالت آکادمی باشگاه به حساب می‌آید اما دوری دو دهه‌ای از قهرمانی در رده‌های پایه با بزرگی نام پرسپولیس همخوانی نداشت تا اینکه تیم نوجوانان باشگاه با هدایت حسن خان محمدی قهرمانی مقتدرانه‌ای در این رده سنی به دست آورد. خان محمدی حالا مربی شناخته شده، علاقه‌مند و اهل فن در بین پیشکسوتان پرسپولیس به حساب می‌آید که موفق شد تیم خود را سه هفته قبل از پایان فصل قهرمان این رده سنی کند و ضمن دستاورد بزرگی که برای باشگاه خود داشت از تولد یک مربی جوان و جوانی نام در خانواده پرسپولیس خبر بدهد. قهرمانی نوجوانان پرسپولیس در شرایطی به دست آمد که ۲۱ سال قبل همین تیم آخرین قهرمانی پایه‌های باشگاه را رقم زده بود و از این حیث کار خان محمدی و شاگردانش برجسته بود و اتفاق خاصی در سال ۱۴۰۲ برای باشگاه پرسپولیس و آکادمی‌اش به حساب می‌آمد.

عالیشاه؛ کاپیتانی که دنبالش بودیم

حالا نزدیک به یک دهه از حضور این بازیکن در پرسپولیس می‌گذرد اما او به شکل جالبی هم به لحاظ اخلاقی و رفتاری و هم فوتبالی بهترین فصل خود را سپری می‌کند. برای عالیشاه سال ۱۴۰۲ با دو گل مهم و استثنایی همراه بود که غیر از زیبایی‌های فوتبالی‌اش باعث شد تا محبوبیت او نزد هواداران پرسپولیس صدبرابر شود. گلزنی در فینال حذفی و تکرار آن در بازی رفت مقابل استقلال باعث شد تا عالیشاه غیر از ثبت نامش در جایی ویژه از کتاب تاریخچه دربی به عنوان چهره‌ای محبوب بین هواداران در اوج قرار بگیرد. غیر از این او به عنوان بازیکنی تأثیرگذار در ترکیب پرسپولیس خودش را مطرح کرد تا برخلاف فصول گذشته فرصت ارائه توانمندی‌هایش را بیشتر از قبل پیدا کند. عالیشاه در نیم فصل اول و تحت هدایت یحیی هر بار به میدان آمد فوق‌العاده کار کرد اما بنا به دلایلی عجیب مثل سرماخوردگی یا احیاناً مسائل بدنی نیمکت نشین می‌شد و از ترکیب اصلی فاصله می‌گرفت اما به نظر می‌رسد دیگر چشم‌پوشیدن از این بازیکن راحت نیست. عالیشاه ضمن پیشرفت محسوس در مدل صحبت با رسانه‌ها در نقش بزرگتر پرسپولیس موفق شد مقبولیتی که سیدجلال در رختکن سرخ‌ها به دست آورده بود را تا حد زیادی به دست بیاورد و تبدیل به یک کاپیتان واقعی شود. او حتی در سخت‌ترین روزهایی که نیمکت نشین می‌شد و از کانون توجهات فاصله می‌گرفت هم حاشیه‌ای برای تیمش نساخت و برعکس کمک حال کادر فنی بود تا با به دست آوردن مقبولیت بین هم‌تیمی‌های خود الگویی برای جوان‌های تیم خود باشد.

عیسی آل کثیر؛ نه خانی آمده و نه خانی رفته

طی سه سال گذشته محرومیت شش ماهه و مصدومیت یکساله باعث نشد تا او از نگاه هواداران پرسپولیس دور شود اما بیشتر از هر چیز تلاش و عزم و اراده خودش بود تا بعد از هر بازگشت در مسیر موفقیت گام بردارد و تبدیل به همان مهاجم قاتلی شود که پرسپولیسی‌ها هر بار در بازار نقل و انتقالات در بین گزینه‌های خارجی دنبالش بوده و هستند. عیسی در نیم فصل دوم لیگ برتر قبل از بهار امسال در حد یک ستاره برای پرسپولیس درخشید و در راه قهرمانی‌های دوگانه عنصر مؤثری در تیم پرسپولیس بود اما با سقف قراردادهای باشگاه و محدودیت‌های موجود پیراهن سرخ را در آورد و با رقمی بسیار بالاتر راهی سپاهان شد اما انگار همه چیز به گونه‌ای چیده شده بود تا دوباره بعد از شش ماه پیراهن ۷۲ پرسپولیس را پس بگیرد. بعد از جدایی و انتقالش به سپاهان خیلی‌ها او را به پول پرست بودن متهم کردند اما وقتی صحبت از بازگشتش به میان آمد خبری از مخالفت نبود و انگار نه خانی آمده و نه خانی رفته است. عیسی به پرسپولیس برگشت و با گلزنی‌هایش دوباره جایی در قلوب هواداران برای خود پیدا کرد تا همه ماجرای جدایی و حضورش در اردوی رقیب را فراموش کنند و منتظر تداوم گلزنی‌هایش باشند.

بیرانوند؛ درگیری با یک مقایسه اشتباه

بعد از قهرمانی با پرسپولیس در جام حذفی و لیگ برتر در فینال جام حذفی چهره ویژه تیمش بود و به خاطر تقابل با استقلال‌ها بعد از سوت پایان بسدت مورد استقبال یحیی و هم‌تیمی‌هایش قرار گرفت اما در شروع نقل و انتقالات اتفاقات عجیبی را رقم زد. پیشنهاد عجیب و غریب استقلال به این دروازه‌بان باعث شد تا یک تنه بازار نقل و انتقالات تابستانی را بهم بریزد و برای چند روز سوزه رسانه‌ها شود. او با فسخ قرارداد خود با پرسپولیس ماجرای یک انتقال بزرگ و جنجالی را کلید زد و در نهایت بعد از چند روز با قراردادی جدید به پرسپولیس برگشت و ماجرا به پایان رسید. با این جود بیرانوند بعد از جام ملت‌های آسیا وارد یک ماجرای دیگر شد که این بار خودش آغاز نکرده بود. تعریف و تمجیدهای همبازی‌های او در تیم ملی و مقایسه اشتباه این دروازه‌بان با احمدرضا عابدزاده و در افتادن در ماجرای عبث اینکه کدام نسل، نسل طلایی است باعث شد تا بیرو در متن یک داستان عجیب قرار گرفته و تا حدودی افت کند. بهم ریختگی روانی این دروازه‌بان باعث شد تا پرسپولیس در دو بازی مقابل آلومینیوم اراک و فولاد سه گل عجیب دریافت کند که در طول فصول گذشته کمتر از بیرانوند دیده بودیم.

